

### خبر

## آیا تابستان ۱۴۰۳ با شوک تورمی آغاز می‌شود؟

**بخش اقتصاد**– داود منظور، رئیس سازمان برنامه و بودجه، در جلسه روز یکشنبه هیئت دولت به دستاوردهایی در حوزه کاهش تورم اشاره کرد که توسط دولت سیزدهم ثبت شده است. به گفته منظور، تورم سالانه به کانال ۳۰ درصد رسیده است.

داود منظور در بخشی از سخنان خود گفت: «طبق گزارش مرکز آمار، روند تورم همچنان رو به کاهش است به نحوی که تورم نقطه به نقطه به حدود ۳۱ درصد رسیده و در شرف ورود به کانال ۲۰ درصد است و تورم ۱۲ ماهه هم به ۳۸.۸ درصد رسیده که به معنای ورود به کانال ۳۰ درصد است.»

او در بخش دیگری از سخنان خود تأکید کرد: «با ادامه سیاست‌های تنظیم‌گری دولت در بخش پولی و همچنین انضباط مالی در اجرای بودجه و جلوگیری از کسری بودجه این روند استمرار داشته و تا پایان سال تورم ۱۲ ماهه تا کانال ۲۰ درصد کاهش خواهد یافت.»

نگاهی به آمارهای بانک جهانی طی بازه زمانی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۳ نشان می‌دهد که بالاترین نرخ تورم در این بازه زمانی ۴۷ درصد بوده که در سال ۲۰۲۰ ثبت شده است. درواقع در دوران شیوع همه گیری کرونا، اقتصاد جهان نیز تحت تأثیر قرار گرفته و روند نزولی را طی کرده و ایران نیز متأثر از همین شرایط متضرر شده است. ایران در این دوره در شرایط سخت تحریمی نیز قرار گرفت و فروش نفت ایران با کاهشی محسوس مواجه شد. هر چند که اکنون و با گذر از آن دوران شاهد افزایش فروش نفت در دوران ریاست جمهوری جو بایدن (رئیس‌جمهور فملی ایالات متحده) بودیم.

با وجود این‌ها، صندوق بین‌المللی پول، اخیرا ایران را در بین ۲۰ کشور تورم‌خیز جهان دسته‌بندی کرده است. زیمبابوه، ونزوئلا، سودان، ترکیه، آرژانتین، سرلانکا، لیبوتانی، استونی، اوکراین، مولداوی، سورینام، غنا، هائیتی، سیرالئون، آنگولا، نیجریه، ایران و مالاوی جزو ۲۰ کشوری هستند که بالاترین نرخ تورم را در سال ۲۰۲۳ داشتند.

از طرف دیگر، پس از آغاز جنگ در غزه و به ویژه پس از تنش‌های بین ایران و اسرائیل، شاهد روند افزایشی نرخ ارز طی دوام گذشته و تشدید انتظارات تورمی بودیم. تا جایی که در نوروز ۱۴۰۳، قیمت دلار یک جهش را تجربه کرد. وحید شقاقی، اقتصاددان و استاد دانشگاه در گفتگوی مفصلی که به مناسبت پایان سال ۱۴۰۲ و آغاز سال ۱۴۰۳ با فرارو انجام داده بود به چالش‌های متعدد اقتصاد ایران پرداخته و گفته بود: «دولت باید با جدیت بیشتری برنامه‌ای واقع بینانه و روشن برای مهار ناترازی‌های اقتصاد کلان، تدوین کند.

این برنامه‌ها می‌تواند در حوزه سیاست‌های قیمتی و افزایش بلکنای قیمت‌ها باشد یا شامل سیاست‌های غیرقیمتی و اصلاح الگوی قیمت‌ها باشد.
تامین منابع مالی و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی در کنار انتشار اوراق بدهی برای تامین مالی نیز بسیار مهم است.
سالهاست که دولت موفق نشده در حوزه برق، گاز، نفت، پالایشگاه‌ها و دیگر حوزه‌ها سرمایه گذاری کند و تداوم این وضعیت در سال ۱۴۰۳، با فشار زیادی بر دوش دولت همراه خواهد شد.
اگر دولت به بانک مرکزی برای چاپ پول فشار وارد کند یا از شبکه بانکی برای کنترل ناترازی‌ها پول بگیرد، همه زحمات بانک مرکزی را بر باد خواهد داد. بانک مرکزی زحمت زیادی کشیده تا رشد نقدینگی را از ۳۸ درصد به ۳۵ درصد برساند، بنابراین دولت باید به شدت دقت کند.»

با توجه به سخنان داود منظور، پرسش‌هایی درباره چگونگی تحقق وعده رسیدن تورم به کانال ۲۰ درصدی و تثبیت روند کاهشی تورم وجود دارد که وحید شقاقی در گفتگو با فرارو به آن‌ها پاسخ داده است:

**دولت باید تصمیم‌های سختی برای کنترل تورم بگیرد**
وحید شقاقی در این باره به فرارو گفت: «در سال ۱۴۰۲ تورم نقطه به نقطه روندی کاهشی داشت به طوریکه از ۵۵ درصد فروردین ۱۴۰۲ به ۳۶ درصد بهمن ۱۴۰۲ کاهش یافت. بدیهی است تقویت دیپلماسی اقتصادی دولت و کاهش انتظارات تورمی در کنار انضباط بخش بانکی و مالی با هدف کنترل رشد نقدینگی در این سیر کاهنده تورم در ۱۴۰۲ موثر افتاد. با این حال از اواسط بهمن ۱۴۰۲ شرایط تغییر کرد و قیمت دلار که از خرداد ۱۴۰۲ تا بهمن ۱۴۰۲ حوالی ۵۰ هزار تومان در نوسان بود مجدد روندی افزایشی در پیش گرفت، به طوریکه در دو ماه اخیر بیش از ۲۰ درصد ارزش پول ملی کاهش یافته است. انتظار بنده این بود از خرداد ۱۴۰۳ این افزایش رخ دهد با این حال تشدید انتظارات تورمی زودتر شروع شد.»

وی افزود: «به نظر می‌رسد که تشدید کسری‌های تجاری غیرنفتی و حساب سرمایه در سال گذشته، تشدید ناترازی‌های اقتصاد کلان و تمویق در اتخاذ اصلاحات قیمتی و غیرقیمتی، احتمال تشدید تحریم‌های اقتصادی و پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات نوامبر ۲۰۲۴ در ایالات متحده و کنار رفتن بایدن از عرصه سیاست این کشور، همگی موجب شده که انتظارات تورمی زودتر از موعد شدت بگیرد و برآوردهای بنده نشان می‌دهد هر ده درصد کاهش ارزش پولی با وقفه سه ماهه حدود ۴ درصد تورم را است بنابراین به دلیل کاهش ۲۰ درصدی ارزش پول ملی طی دو ماه اخیر احتمالا روند کاهشی تورم در ماه‌های پیش رو بالعکس شده و اواخر خرداد ماه شوک تورمی ۸ درصدی افزوده خواهد شد و مجدد روند تورم نقطه به نقطه افزایشی خواهد شد و به کانال ۴۰ درصد باز خواهیم گشت.»

این استاد اقتصاد گفت: «در ضمن چنانچه اصلاحات لازم در جهت مهار کسری‌ها و ناترازی‌های اقتصاد کلان رخ ندهد و بر شدت تحریم‌های نفتی افزوده شود، شرایط تورمی سخت‌تر خواهد شد؛ لذا چنانچه دولت به دنبال کاهش تورم به کانال ۲۰ درصدی است باید دست به تصمیمات سخت بزند و ضمن تقویت حکمرانی ریال و کاهش کسری‌های تجاری و حساب سرمایه، به سمت مهار ناترازی‌های اقتصاد کلان برود و بحث مدیریت انتظارات تورمی را نیز با جدیت دنبال کند. راهبرد اشتباه بانک مرکزی در بازار ارز اصلاح شده و تدابیر مشخص برای مدیریت ارز اتخاذ شود.»

## {اقتصاد}



# خصوصی‌سازی واقعی اقتصاد چیست؟

**بخش اقتصاد**– بی‌شک تنها راهکار موجود برای حل مشکلات معیشت مردم واگذاری اقتصاد به بخش خصوصی است؛ موضوعی که هم اشتغال‌زایی را به عنوان رکن اصلی تامین درآمد خانواده‌ها تسهیل می‌کند و هم رشد حداکثری تولید، کاهش حداکثری هزینه تولید، ایجاد ثبات در مدیریت، افزایش بهره‌وری و… را به دنبال خواهد داشت.

به گزارش ایلنا، بی‌شک هر نقطه‌ای از جهان که توسعه‌یافتگی در آن مشاهده شده است، بسترسازی برای تقویت بخش خصوصی همزمان با سیاست‌گذاری و نظارت دولت ها این اتفاق را رقم زده است.

در ایران اما همه بر طبل خصوصی‌سازی می‌کوبند اما در عمل یا خصوصی‌سازی صورت نمی‌گیرد یا اگر محقق شود خصوصی‌ها خصولتی، بنگاهدار و دلال خریدار شرکت‌های دولتی بوده‌اند و در عمل خاطره تلخی از آن به جای مانده است.

به گونه ای که حالا اصل موضوع مورد سوال قرار گرفته که آیا مدیریت اقتصاد و شرکت‌های دولتی را به بخش خصوصی واگذار کنیم یا نه؟ در هر حال راهکار قطعی حل مشکل معیشت مردم مشخص است و راه علاج تنها جهش تولید، افزایش اشتغال با واگذاری اقتصاد به بخش خصوصی است، همان گونه که رهبری در سال جدید شعار جهش تولید با مشارکت مردم را انتخاب کرده‌اند.

خصوصی‌سازی هم با وجود همه تعریف و تمجیدهایی که از آن می‌شود، می‌تواند مورد سوال قرارگیرد زیرا خصوصی‌سازی نه به معنای اختصاصی‌سازی ویژه‌خوارانه و نه صرفا به مفهوم واگذاری سهام است! موارد متعددی از ادعای خصوصی‌سازی در کشور طی دهه‌های اخیر وجود دارد که نشان می‌دهد بیش از آنکه خصوصی‌سازی را محقق کرده باشد عملا راه بنگاه داری دولت یا نهادهای نافذو را در قالب خصولتی ها هموار کرده است.

## پیشنهاد دائمی شدن قراردادها در کارهای موقت پس از پنج سال

اصلی‌ترین خواسته جامعه کارگری را امنیت شغلی عنوان کرد و گفت: طی دو سال اخیر در دیدارهایی که با حضرت آقا و رئیس‌جمهور داشتیم اتفاقات خوبی افتاد ولی علت اللعل وضعیت اقتصاد و بازار کار کشور را در بحث خصوصی‌سازی و آزادسازی قیمت‌ها می‌دانم که به مراتب از موقتی شدن قراردادهای کار آسیب‌های بیشتری به کارگران زده است.

وی افزود: کرد خوبی که در دولت و در راستای تامین امنیت شغلی کارگران صورت گرفته اصلاحاتی است که در بحث قراردادهای کار در قالب لایحه امنیت شغلی آمده است و امیدواریم به نتیجه برسد چون مجلس هم تلاش‌های متعددی را داشت ولی بحث تبدیل وضعیت قراردادهای کارگران شافل در نهادهای و دستگاه‌های اجرایی به نتیجه نرسید.

نماینده کارگران در شورای عالی کار ادامه داد: مناسفانه طی سالهای گذشته با واگذاری‌هایی که انجام شد، برخی از کارخانه‌ها و برندهای قدیمی دچار مشکل داشتند. با کوچک کردن دولت به این شیوه به نوعی در کلاف سردرگم گیر کردیم و باعث شد بعضا واگذاری‌ها به افراد ناهل صورت گیرد و بعد از مدتی صاحبان کارخانه‌ها که دیدند زمین‌های کارخانه مرغوب است و ساخت و ساز بهتر جواب می‌دهد و هزینه فایده اشتغال ۵۰ نفر برایشان مقرون به صرفه نیست، به سمت ساخت و ساز در زمین‌ها رفتند و با تعطیلی کارخانجات مواجه شدیم که عرضه و تقاضا در بازار کار را به هم ریخت.

**تأثیر جهانی شدن قیمت‌ها و گران شدن حامل‌های انرژی در تولید**
وی ادامه داد: در کنار آن بحث جهانی شدن قیمت ها و گران شدن حامل‌های انرژی طی سالهای گذشته نیز مطرح بود که توقع داریم دولت به سمت ارزان شدن حامل‌های انرژی برود که تولید بیشتر رونق بگیرد و شاید به نفع باشد که به سمت رایگان شدن حامل‌ها برویم و با توسل به توجیه‌های غیرواقعی مثل یارانه پنهان و … با افزایش حامل‌های انرژی مواجه بودیم که باعث شد برخی تولیدات ما به سمت دلاری شدن برود و حقوق کارگران ریالی باقی ماند لذا معتقدم که خصوصی‌سازی و آزاد سازی قیمت‌ها در کنار موقتی شدن قراردادهای کار مشکلاتی را برای جامعه کارگری به وجود آورده و امیدواریم با حرکت خوبی که آغاز شده در بحث دائمی شدن قراردادهای کار اتفاقات خوبی را شاهد باشیم و در مراحل بعدی در بحث برگرداندن واحدهایی که طی سالهای گذشته خوب عمل نکردند، باید به دولت برگردند و بحث استخدام ها و دائمی شدن قراردادهای کار عملیاتی شود.
در ادامه معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به شیوه‌های تعیین حداقل مزد در دنیا اشاره کرد و گفت: در حال حاضر شیوه‌های تعیین حداقل مزد در دنیا متفاوت است. یک شیوه این است که دولتها مشورت شرکای اجتماعی را می‌گیرند و خودشان تصمیم‌گیری می‌کنند، یک شیوه توافق بین اتحادیه کارگری و کارفرمایی است مثل پیمان‌های دسته جمعی که در ماده ۱۴۳ قانون کار به آن اشاره شده است و یک شیوه نیز، چانه‌زنی به شکل سه جانبه است.

سال بیست و هفتم/ شماره ۶۴۹۳

و جای دیش ندارند بلکه به جرات می‌توان گفت با توجه به زیان انباشته بیش از ۲۰۰ همتی اوضاع بسیار وخیم‌تری دارند و جالب این است که ادعا می‌شود خصوصی‌سازی در آنها هم رخ داده است.

واقعیت این است که روند ادعایی خصوصی‌سازی خودروسازی‌های دولتی در سال ۱۳۷۸ اتفاق افتاد اما چون خودروسازهای دولتی همچنان تمایل داشتند که در کنف حمایت دولت بمانند این خودروسازها را به تشکیلاتی از جمله صندوق بازنشستگی و شستا دادند تا هم ادعا کنند که خصوصی‌سازی کرده‌اند و رفع تکلیف ضعیفی در این باره نشان دهند و همزمان به مدد حمایت‌ها، دولتی‌ها خود را از قانون محاسبات عمومی خارج کنند اما پشت پرده اتفاق دیگری هم جریان داشت و دولتی‌ها در تلاش بودند همچنان از طریق سهامی که در دل این شرکت‌های بازنشستگی ایجاد می‌کردند (سهام تودلی) اکثریت‌شان را در خودروسازها حفظ کنند.

همان موقع هم با این فرمول خصوصی‌سازی، شرکت‌های خودروسازی اعم از سایپا و ایران خودرو از فصل ششم بودجه خارج شدند. به این ترتیب حاکمیت دولت باقی ماند اما خودروسازها از شمول محاسبات عمومی خارج شدند؛ یعنی یک پله به سوی راه‌شدگی و فساد بیشتر رفتند.

این، نتیجه گریزناپذیر سپردن صنعت به غیرمتخصصان و صنف‌های ناهمگون است که سر از ورشکستگی و فساد متراکم در می‌آورد اما آیا باید همچنان با ترس از تکرار هفت‌تپه‌ها و سرایت سندروم آن به همه شرکت‌های دیگر از خصوصی‌سازی فراری بود و زیان‌های انباشته خودروسازان دولتی که بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد تومان می‌شود و هر ساعت ۸ میلیارد تومان و به گفته برخی کارشناسان ۱۱ میلیارد تومان خسارت در ساعت ضرر روی دست کشور می‌گذارد را نادیده گرفت یا اینکه صدها شرکت خصوصی دیگر را هم باید دید که دارند مثل ساعت کار می‌کنند، سودآوری دارند، مالیات می‌دهند تا بار هزینه‌های سنگین را از دوش دولت و کشور بردارند و همچنین می‌سازند، اشتغال موثر ایجاد می‌کنند، توسعه می‌دهند و کارآفرینی می‌کنند؟

پیداست که راهی جز خصوصی‌سازی وجود ندارد اما بهترین راه ابتدا واگذاری مدیریت به بخش خصوصی است و با تأکید بر اینکه تنها متخصصان این حوزه و کسانی که مستقیما و کاملا حرفه‌ای و فنی بر آتش خودروسازی دستی دارند می‌توانند این بیمار رو به موت را احیا کنند.

مهم‌تر از واگذاری شرکت‌های خودروساز دولتی یا سهام تودلی ۲۴ درصدی ایران خودرو و ۳۸ درصدی سایپا (جمعا ۶۲ درصد)، قطعا این است که چه کسانی اهلیت و اولویت به دست گرفتن سکان این کشتی گرفتار شده در تلاطم امواج مختلف را دارند و می‌توانند با تکیه بر فن‌سالاری و شایسته‌سالاری این کشتی را به ساحل سود و صلاح برسانند؟

باید گفت اگر کسی بعد از مدیریت دولتی وارد زمین سوخته‌ای مثل خودروسازی به ویژه با زیان انباشته رو به افزایش شود، باید خیلی شهامت داشته باشد و در کنار آن به پشتوانه تخصصی تیم کارشناسان باتجربه و کارآزموده در میدان عمل قرار گیرد.

رهبری شعار سال را تولید با مشارکت مردم انتخاب کردند و با سه سخنرانی در ۱۵ روز اول سال ضرورت و فایده واگذاری اقتصاد به مردم را تبیین کردند و در جمع کارگزاران نظام در روز ۱۵ فروردین سال جاری فرمودند: «مساله مشارکت مردم را در شعار سال قرار دادم برای اینکه بیشتر به امکانات مشارکت مردم توجه شود که مردم در مسائل اقتصاد به معنای واقعی کلمه بیابند به عرصه. مردم یعنی توان مردم؛ توان مالی، توان فکری و ذهنی، توان ابتکاری؛ ابتکارات مردم وارد میدان شود. ما سود می‌بریم. یک تصویری وجود دارد که اگر چنانچه مردم وارد عرصه اقتصاد شوند، مدیریت‌ها را به مردم بدهیم، این دست دولت را می‌بندد، دست مسئولین دولتی را می‌بندد؛ این فکر درست نیست، وظایف باید تقسیم شود.»

# تصمیم‌گیری در خصوص دستمزد به شکل سه جانبه

رعیتی فرد تصریح کرد: سازمان جهانی کار هر ۳ مورد را رد نمی‌کند. از سال ۱۳۶۹ تا کنون شورای عالی کار به طور سه جانبه برای حقوق و دستمزد تصمیم‌گیری می‌کند. شوای عالی کار نمی‌تواند کشور را بدون تصمیم‌بگذارند و کارگر و کارفرما و همه ارکان کار باید برای سال بعد برنامه‌ریزی کنند. اینکه رها کنیم این مساله را عملا بازار کار دچار چالش می‌شود. این ساز و کار در قانون دیده شده که شورای عالی کار با چه ترکیبی شکل بگیرد.۳ نفر نماینده کارگر،۳ نفر نماینده کارفرما و ۳ نفر نمایندگان دستگاه‌های اجرایی یا افراد خبره‌ای که به شورای عالی کار اضافه می‌شوند و بعد از اصلاح قانون استاندارد، رئیس سازمان استاندارد نیز به تمام شورا‌های عالی کشور اعم از شورای عالی کار و شورای عالی اشتغال و … اضافه شد که حق رأی دارد.

وی افزود: محل تشکیل جلسات در وزارت کار است و وزیر کار هم مانند تمام اعضا یک رأی دارد و جلسات شورا با حضور دو سوم اعضا رسمیت می‌یابد و تصمیمات شورا در برخی مواقع با اجماع و رأی گیری صورت می‌گیرد. معاون وزیر کار درباره تغییر ساز و کار تعیین مزد و رفتن از حالت گفت و گوی سه جانبه به سمت مدل‌های دیگر و ورود مجلس به مقوله دستمزد، گفت: مجلس طی سالهای گذشته در این زمینه بحث‌هایی داشته است و قطعا ظرفیت خوب و گسترده‌ای در مجلس وجود دارد. مجلس عصاره ملت است و همه گروه‌ها در مجلس حضور دارند و با اشرافی که مجلس به کل مسایل کشور دارد می‌تواند با اخذ نظر شرکای اجتماعی در کمیسیون‌های تخصصی، پیشنهادی که دولت داده را چکش کاری کند و نهایتا عددی که برای حقوق و دستمزد تعیین می‌کند جامع شرایط باشد.

**شورای عالی کار، بهترین مرجع تعیین دستمزد کارگران**

محسن باقری، نماینده کارگران در شورای عالی کار در بخش دیگری از این گفت و گو مرجع تعیین دستمزد را شورای عالی کار دانست و گفت: چون شورای عالی کار ساختار سه جانبه دارد. مجلس کار اجرا نمی‌کند، اگر مجلس بودجه را هم تأیید می‌کند در بودجه سالانه به پیشنهاد دولت است و لایحه را دولت می‌دهد و در نهایت اجرا با دولت است لذا بهترین ساختاری که می‌شود کارگران حق گرفت و گو و اعتراض دارند و حق دارند که دستمزد را بنپذیرند یا نپذیرند و این حق برای همه شرکای اجتماعی است. ما هم پاسخگوی جامعه هدف خود هستیم و معتقدیم که دستمزد باید هزینه‌های زندگی را پوشش دهد ولی باید مسئولیت کاری که پذیرفتیم باید قبول کنیم و به سمت اجماع برویم و توافق کنیم.همیشه هم پای میز مذاکره بودیم و سعی کردیم جلسه را ترک نکنیم ولی برای توافق بهتر همیشه آمادگی داریم.